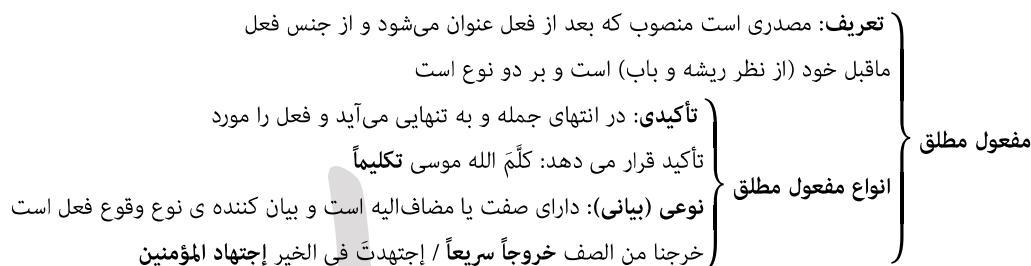


مفهوم مطلق

درس ۴۵ عربی دوازدهم مشترک و انسانی



نکات

(۱) مفعول مطلق، نقش اصلی محسوب نمی‌شود و قابل حذف از جمله است، بنابراین اگر کلمه نقش دیگری بگیرد مفعول مطلق محسوب نمی‌شود؛ به مثال‌های زیر دقت کنید:

- أذكروا الله ذكرًا كثيراً. ذکرًا: مفعول مطلق نوعی
- قد أنزل الله إليهم ذكرًا. ذکرًا: مفعول
- إن علينا ذكرًا في الشدائدين. ذکرًا: اسم إن (مؤخر)
- ليس ذكرى ذكرًا مناسباً ذکر: اسم و خبرليس

(۲) ممکن است پس از مفعول مطلق، «جمله‌ی وصفیه» بیاید که در این صورت «مفعول مطلق نوعی (وصفی)» است: آمنت بربی ایماناً لا يزول عنّی ایماناً: مفعول مطلق نوعی لایزول ... : جمله‌ی وصفیه

(۳) فعل‌ها، جار و مجرور، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه و اسم مکان نمی‌توانند مفعول مطلق واقع شوند در واقع مفعول مطلق باید مصدر باشد.

تذکرہ: مصدر فعل حکیم ثلاشی مجدد و مخاطب ندارد (معنی است) مانند: خروج، علم، حل، نظر؛ اما مصدر فعل حکیم ثلاشی مزید محدود است مانند: تعلیم، استخدام، ابتدام و ...

اینگاه ترجمه

الف- «مفعول مطلق تأکیدی» به صورت «قید تأکید» (قطعاً، حتماً، مسلمـاً، مطمئـناً و ...) ترجمه می‌شود.
 تَزَلَّ اللَّهُ الْقُرآنَ تَنْزِيلًا.

خداؤند، مسلمـاً قرآن را نازل کرد.

ب- مفعول مطلق نوعی وصفی عموماً به صورت «قید» (متهم قیدی) ترجمه می‌شود:
 إِبْتَسَمَ الْطَّفْلُ ابتساماً جميلاً. کودک به زیبایی خندهید.

ج- در ترجمه‌ی «مفعول مطلق نوعی اضافی» از کلماتی مانند: «همچون، مثل، چون، شبیه و ...» استفاده می‌شود:
 شاهـد النبـی لـعـبـهـم مشـاهـدـةـ الـحـكـمـ. پـیـامـبـرـ، هـمـچـونـ دـاـورـ باـزـیـ آـنـاـنـ رـاـ نـگـاهـ کـرـدـ.

د- کلمـهـی «كـثـيرـاً» عمـومـاً جـانـشـینـ مـفـعـولـ مـطـلـقـ نوعـیـ استـ وـ بـهـ صـورـتـ قـیدـ «بـسـیـارـ زـیـادـ» تـرـجمـهـ مـیـ شـودـ:
 أـذـکـرـواـ اللـهـ كـثـيرـاً. خـداـ رـاـ بـسـیـارـ يـادـ کـنـیدـ.

